

خبرایات

از تئوری تا عمل



جواد طوسی

● روز گذشته فرصتی پیش آمد که به اتفاق چند نفر از اعضای شورای مرکزی «انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران» نشستی صمیمانه با مهندس حیدریان رئیس سازمان سینمایی وزارت ارشاد داشته باشیم. جدا از صحبت‌های گوناگون درباره مسائل مبتلابه سینمای ایران و لزوم حضور جدی‌تر و مؤثرتر منتقدان در فضای فرهنگی جامعه و پیشبرد اهداف و سیاست‌های خرد و کلان سازمان سینمایی، مهم‌ترین موضوع مطرح‌شده از سوی ایشان ضرورت صنعتی‌شدن سینمای ایران با ارائه تعریفی امروزی از «کمپانی فیلم‌سازی» بود. راقم این سطور به مناسبت‌های مختلف بر این نکته تأکید داشته که سینمای ما از این تداوم آزمون و خطا و محوریت سیاست‌گذاری فیلم‌سازی» بود. راقم این سطور به مناسبت‌های مختلف بر این نکته تأکید داشته که سینمای ما از این تداوم آزمون و خطا و محوریت سیاست‌گذاری محتاط و درست به‌عصای دولتی، ره به جایی نمی‌برد. باید گذشته و حال این مدیوم را با نگاهی واقع‌بینانه و درعین‌حال کارشناسانه مورد ارزیابی قرار دهیم و ارتقای کیفی و تلاش برای حرفه‌ای‌شدن سینما را جایگزین رشد بی‌رویه کثی کنیم. «آجاره‌نشین‌ها» داریوش مهرجویی، «سرب» مسعود کیمیایی، «خدا خورشید» و «ای ایران» ناصر تقوایی، «کشتی آنجلیکا» محمد بزرگ‌نیا، «دوئل» احمدرضا درویش و «شیر سنگی» مسعود جعفری جوزانی، چند نمونه از تولیدات سینمایی این دوران هستند که صنعت و مخاطب و بازگشت سرمایه در آنها درست‌تعریف شده است؛ ولی چرا این نوع سینما در کارنامه اکثر قریب به اتفاق سازندگان‌شان ادامه نیافت؟

در شرایطی که آنها توانایی و کاربلدی‌شان را در این زمینه به اثبات رسانده‌اند، چرا به امان خدا رها شدند؟ بله، محمد بزرگ‌نیا در دوره‌ای دیگر «راه آبی ابریشم» را ساخت؛ ولی به لحاظ نگاه منفعل و باری به هر جهت بنیاد سینمایی فارابی و بی‌توجهی به فیلم‌نامه و خطوط دراماتیک قصه، فیلم در گیشه و برخورد با مخاطب شکست می‌خورد یا احمدرضا درویش در ادامه «رستاخیز» را می‌سازد؛ ولی جدا از مشکل روایت و زمان طولانی فیلم، در سیکل فرسایشی و نامعلومی برای اکران عمومی کارش قرار می‌گیرد. چندین سال است که فیلم‌نامه خوب و قرص و محکمی از مسعود کیمیایی به نام «تبعید سایه‌ها» که حال و هوای «سرب» را دارد، در بنیاد فارابی خاک می‌خورد. مگر مدیران دولتی ارشاد بر این عقیده نیستند که «سرب» بهترین فیلم این دوران کیمیایی است؟ پس چرا سعی نکردند تا فیلم‌تولشت «تبعید سایه‌ها» به مرحله تولید برسد؟

صنعتی‌شدن سینمای ایران می‌تواند راه‌حلی منطقی و هوشمندانه و زمانه‌شناسانه برای عبور از بحران و بلاکنلفی و رسیدن به نقطه‌ای تثبیت‌شده باشد؛ اما دستیابی به این هدف، نیاز به اراده‌ای جمعی و نقشه راه دقیق و سنجیده‌ای دارد که برای دوره‌ها و مدیران و سیاست‌گذاران بعدی لازم‌الاتباع باشد.

نگاه

تقدیر از مه‌ناز افشار و مصطفی زمانی



● مه‌ناز افشار و مصطفی زمانی در سومین جشن عکاسان سینما تقدیر می‌شوند. به گزارش روابط‌عمومی انجمن عکاسان سینمای ایران، سومین دوره جشن عکاسان سینمای ایران، ۱۳ تیرماه به دبیری حافظ احمدی، برگزار خواهد شد و در این دوره از برگزاری جشن همانند سال‌های قبل از شش چهره در صنف مختلف که نگاه ویژه‌ای به عکس و عکاسی فیلم دارند، برگزار می‌شود. مهدی پاکدل به‌عنوان مشاور دبیر در این دوره از جشن حضور دارد و مسابقه مردمی عکس برگزیده نیز در این دوره با همکاری اپلیکیشن پات برگزار می‌شود.

گفتنی است نمایشگاه عکس سومین جشن عکاسان سینما هم‌روزه از ساعت ۱۰ صبح تا ۷ شب در باغ‌موزه قصر به نشانی: اتوبان صیاد شیرازی، خروجی پلیس – شریعتی، میدان پلیس، پذیرای بازدیدکنندگان است.

محمدحسین مهدویان در واکنش به پخش سریال «ایستاده در غبار»

این فیلم نسخه دیگری ندارد

نسخه نادیده اصلا خوب از آب درآمده است یا نه. اما حتی با فرض اینکه عالی هم از آب درآمده باشد علاقه‌ای به دیدنش ندارم. «ایستاده در غبار» از نگاه من همان فیلم سینمایی ۱۰۴دقیقه‌ای است که گفتم. ای کاش فقط همان نسخه از تلویزیون پخش می‌شد. این فیلم نسخه دیگری ندارد».

صحبت‌های محمدحسین مهدویان اما بی‌پاسخ نماند و مسئول روابط‌عمومی سازمان اوج در مقام تهیه‌کننده فیلم در صفحه شخصی خود به نوشتن محمدحسین مهدویان واکنش نشان داد و نوشت: «منت» را که دیدم می‌خواست‌م تماس بگیرم که با هم بنشینیم، چایی بخوریم و گپی بزнім. ولی از صبح خیلی‌ها سؤال کرده‌اند از من درباره پست اخیرت و این چندمین بار بود که پست گذاشتی برایمان و ما را رنجاندی و سؤالات خلق‌الله را به سویمان گسیل داشتی. این بار هم مثل خیلی اتفاق‌های دیگر بهترین راه سکوت است. ولی چند خطی از برادر کوچکت:حاج‌احمد مرد جهاد و عمل بود. درست همان‌طور که تو با ذوق و شوق بعد از دو سال تحقیق درباره‌اش گفتی و ما کیفور شدیم و از خدایمان بود که کسی بیاید و یک کاری سینمایی بکند برای حاج‌احمد. بدون حرف و ادعا، این بار عمل. برای اولین بار در این سی و چند سال نبون حاج‌احمد.

و بعد از آن همه تحقیق، مستند و... اهل فن، درباره این شیرمرد جهاد و بعد از پژوهش‌های خود و باتجربه‌ای که از «آخرین روزهای زمستان» داشتی، گفتی بهترین راه برای روایت این‌همه تحقیق، یک سینمایی و یک سریال است. ما با هم نشستیم. گفتی که سینمایی بسازیم، و بعد که دیده شد تازه سریال را پخش کنیم، و ما با هم

گروه هنر: پخش نسخه تلویزیونی فیلم «ایستاده در غبار» و توزیع این فیلم در شبکه نمایش فیلم کار دیگری از توجهات را به این فیلم سینمایی جلب کرد؛ فیلمی که تا به امروز حواشی بسیاری داشت و به‌تازگی واکنش‌های محمدحسین مهدویان کارگردان این فیلم، نسبت به پخش نسخه تلویزیونی این فیلم بحث دیگری را ایجاد کرده است. ماجرای دلخوری مهدویان از چگونگی پخش نسخه تلویزیونی فیلم در صفحه اختصاصی این کارگردان جوان و خوشنام اتفاق افتاد. روابط‌عمومی شبکه افق چندی پیش اعلام کرد که هم‌زمان با ساخت فیلم سینمایی «ایستاده در غبار»، خبرهایی مبنی بر نگارش فیلم‌نامه‌ای دیگر برای نسخه سریال هم به گوش می‌رسید که در نهایت این مینی‌سریال در قالب شش قسمت ساخته شد. در ادامه این‌گونه اعلام شد که مینی‌سریال ایستاده در غبار، ۳۰ دقیقه طولانی‌تر از نسخه سینمایی آن است که در سینماها اکران شد و حضور موقفی هم در جشنواره فیلم فجر داشت. اولین قسمت این مجموعه تلویزیونی پنجشنبه‌شب (۹ تیرماه) از شبکه‌های اول و افق پخش شد.

محمدحسین مهدویان - کارگردان ایستاده در غبار - در صفحه شخصی خود نوشت: «خیلی‌ها می‌پرسند چرا در این صفحه حرفی از نسخه سریال «ایستاده در غبار» نزنم. پاسخش خیلی ساده است. چیزی که هنوز خودم ندیده‌ام را به کسی توصیه نمی‌کنم. نه اینکه نگذاشته باشم ببینم. نه، خودم ترجیح دادم ببینم. «ایستاده در غبار» برای من همان فیلم ۱۰۴دقیقه‌ای است که در سینماها اکران شد. این سریال براساس یک توافق قدیمی آماده شد و من هم به دلایلی باید تن می‌دادم. چاره‌ای نبود. الان هم واقعا درست نمی‌دانم این نسخه،

گفت‌وگو با هادی مرزبان

هیچ کس غم نان نداشته باشد

نیلوفر هم با این قضیه موافقت کرده است. ما می‌خواستیم آن را امسال اجرا کنیم که با کم‌لطفی دوستان بنیاد رودکی مواجه شدیم. با آنکه خودشان از من دعوت کردند و ما به توافق اولیه هم رسیدیم که دکتر نون کار شود، اما یکپهو گفتند فقط خرداد در اختیار شماست که با توجه به چهارتا شنبه که تعطیل است و روزهای ارتحال و شب‌های قدر در حدود ۲۰ شب اجرا شامل حالمان می‌شد و نمی‌شد یک کار بزرگ با ۴۰ بازیگر برای این تعداد اجرای محدود آماده کرد. شاید آن را اردیبهشت‌ماه سال آینده در یک سالن مناسب اجرا کنم. همچنین همراه امسال در پردیس تئاتر تهران، واقع در خاوران هم یک اجرا خواهیم داشت که فعلا بین دو متن بلا تکلیف هستم و الان دقیقاً نمی‌توانم از آنها نام ببرم.

● **این‌روزها درباره مشغولیت‌م:** الان دارم نمایش بنگاه تئاترال، از نوشته‌های علی نصیریان، را در تالار سنگلج اجرا می‌کنم که پیش از انقلاب جناب نصیریان خودشان آن را کارگردانی کرده و من وقتی اجرای آن را مطرح کردم، با کمال میل پذیرفت و از سه ماه پیش تمرین‌هایش را شروع کردم. باید بگویم که من همواره دغدغه‌ام در تئاتر ایران، تئاتر ملی و ایرانی بوده و در این چهل‌وچندسال که کارگردانی کرده‌ام، از بین بیست‌ودو، سه اجرایم فقط دو یا سه‌تا از آنها متن خارجی بوده و بقیه متونم، نویسندگان ایرانی داشته است. بنگاه تئاترال هم درباره پهلوان کچل است که در آنجا وروره جادویی است که همه را جادو کرده و این‌ن پهلوان کچل می‌خواهد برود او را نابود کند و طلسم این جادوها را بشکند و... . بهتر است مخاطبان تئاتر بیایند و از نزدیک این تئاتر را ببینند که برگرفته از روح‌وضی و نمایش‌های سنتی ایرانی است و اتفاقاً تا امروز هر که آمده، اغلب از آن خوششان آمده و من معتقدم که ما تماشاگران فهیم و باهوشی داریم که کار بد و خوب را سریع از هم تمیز می‌دهند و این خود عامل مهمی در دیده‌شدن یک تئاتر است.

● **تئاتری که به‌تازگی بیشترین تأثیر را بر من گذاشت و برایم جالب بود:** در چند ماه گذشته موفق شدم نمایش «مروارید»، کار دکتر قطب‌الدین صادقی را ببینم که از بازیگری و کارگردانی بسیار خوشم آمد و او هم همواره در صحنه با فکر می‌آید. ● **تئاتر بعدی‌ام:** به احتمال قوی «دکتر نون» را بر اساس رمان شهرام رحیمی‌ان کار خواهیم کرد که مجوزش را از او در آمریکا گرفته‌ام و البته نشر مهمی در دیده‌شدن یک تئاتر است.

● **تئاتری که به‌تازگی بیشترین تأثیر را بر من گذاشت و برایم جالب بود:** در چند ماه گذشته موفق شدم نمایش «مروارید»، کار دکتر قطب‌الدین صادقی را ببینم که از بازیگری و کارگردانی بسیار خوشم آمد و او هم همواره در صحنه با فکر می‌آید.

● **تئاتر بعدی‌ام:** به احتمال قوی «دکتر نون» را بر اساس رمان شهرام رحیمی‌ان کار خواهیم کرد که مجوزش را از او در آمریکا گرفته‌ام و البته نشر مهمی در دیده‌شدن یک تئاتر است.

● **تئاتری که به‌تازگی بیشترین تأثیر را بر من گذاشت و برایم جالب بود:** در چند ماه گذشته موفق شدم نمایش «مروارید»، کار دکتر قطب‌الدین صادقی را ببینم که از بازیگری و کارگردانی بسیار خوشم آمد و او هم همواره در صحنه با فکر می‌آید.

● **تئاتر بعدی‌ام:** به احتمال قوی «دکتر نون» را بر اساس رمان شهرام رحیمی‌ان کار خواهیم کرد که مجوزش را از او در آمریکا گرفته‌ام و البته نشر مهمی در دیده‌شدن یک تئاتر است.

● **تئاتری که به‌تازگی بیشترین تأثیر را بر من گذاشت و برایم جالب بود:** در چند ماه گذشته موفق شدم نمایش «مروارید»، کار دکتر قطب‌الدین صادقی را ببینم که از بازیگری و کارگردانی بسیار خوشم آمد و او هم همواره در صحنه با فکر می‌آید.

● **تئاتر بعدی‌ام:** به احتمال قوی «دکتر نون» را بر اساس رمان شهرام رحیمی‌ان کار خواهیم کرد که مجوزش را از او در آمریکا گرفته‌ام و البته نشر مهمی در دیده‌شدن یک تئاتر است.

● **تئاتری که به‌تازگی بیشترین تأثیر را بر من گذاشت و برایم جالب بود:** در چند ماه گذشته موفق شدم نمایش «مروارید»، کار دکتر قطب‌الدین صادقی را ببینم که از بازیگری و کارگردانی بسیار خوشم آمد و او هم همواره در صحنه با فکر می‌آید.

● **تئاتر بعدی‌ام:** به احتمال قوی «دکتر نون» را بر اساس رمان شهرام رحیمی‌ان کار خواهیم کرد که مجوزش را از او در آمریکا گرفته‌ام و البته نشر مهمی در دیده‌شدن یک تئاتر است.

● **تئاتری که به‌تازگی بیشترین تأثیر را بر من گذاشت و برایم جالب بود:** در چند ماه گذشته موفق شدم نمایش «مروارید»، کار دکتر قطب‌الدین صادقی را ببینم که از بازیگری و کارگردانی بسیار خوشم آمد و او هم همواره در صحنه با فکر می‌آید.

● **تئاتر بعدی‌ام:** به احتمال قوی «دکتر نون» را بر اساس رمان شهرام رحیمی‌ان کار خواهیم کرد که مجوزش را از او در آمریکا گرفته‌ام و البته نشر مهمی در دیده‌شدن یک تئاتر است.

● **تئاتری که به‌تازگی بیشترین تأثیر را بر من گذاشت و برایم جالب بود:** در چند ماه گذشته موفق شدم نمایش «مروارید»، کار دکتر قطب‌الدین صادقی را ببینم که از بازیگری و کارگردانی بسیار خوشم آمد و او هم همواره در صحنه با فکر می‌آید.

● **تئاتر بعدی‌ام:** به احتمال قوی «دکتر نون» را بر اساس رمان شهرام رحیمی‌ان کار خواهیم کرد که مجوزش را از او در آمریکا گرفته‌ام و البته نشر مهمی در دیده‌شدن یک تئاتر است.

حرف زدیم و از همه مهم‌تر به هم تعهد دادیم که یک فیلم سینمایی و یک مینی‌سریال درباره حاج‌احمد تولید کنیم، ما هم به سیاق بقیه برنامه‌هایمان به صداوسیما «تعهد» دادیم که یک سریال جذاب به نام ایستاده در غبار برایتان کنار گذاشته‌ایم و البته که برایم عجیب بود که در مورد تهیه سریال گفته بودی: «من هم به دلایلی باید تن در می‌دادم!» حالا خدا خواست و تو بعد از ایستاده در غبار شدی «محمدحسین مهدویان»ی که همه سینما مثل ما دوستت دارند و بعد که در مورد سریال حرف زدیم، تو لابد تصمیمت عوض شد یا هرچه، و نیامدی پای سریال. هرچه گفتیم برادر حسین! بیا قربانت برویم، بیا دور سرت بگردیم، نیامدی که نیامدی. بر خلاف آن تعهد!

و سالگرد زبایش حاج‌احمد نزدیک بود و کم‌کم داشت آتش خوش‌رنگ و لعاب ایستاده در غبار از دهن می‌افتاد، خب چه انتظاری از ما داری؛ جز این که بعد از این همه مماشات، یا علی بگویم و سریال را برسانیم؟ سریالی که تعهد تو بود که حالا دلت نمی‌خواست باشد. آخر مثنی! مگر خودت نبودی که خط اصلی تدوین سریال را دادی؟ کسی دخالتی در بخش‌بندی سریال و گرفتن راش‌های سریال داشته جز خودت؟! از روی بخش‌های جدید سریال هم معلوم است که به نیت یک مینی‌سریال و یک سینمایی ضبط کرده بودی.

البته هنوز هم دیر نشده رفیق‌جان!

ما همچنان بر عهد خود هستیم. خدای ما بعد از سیم‌رخ‌های جشنواره هم خدای «افوا با‌لعهد» است. تو دوست دیرین مایی. اگر فرصت کردی بنشینیم و سریال را ببینیم و گپ بزнім و کیف کنیم از دیدن و شنیدن حاج‌احمد؟».

حتی در یک میهمانی با منتقدی روبه‌رو شدم که فردایش نقدش در روزنامه‌ای چاپ شد که بسیار عجیب‌وغریب بود و تا نواشته بود تدوینز علی‌ه من و نویسنده کارم نوشته بود و وقتی او را در جایی دیدم، احساس کردم به دنبال فرار کردن است، اما را آموختم، اما در سال سوم دانشگاه با حمید سمندریان مواجه شدم که دیدم حرف‌های تازه‌ای می‌زند که من نمی‌فهمم و از او هم بسیار آموختم که شاید بهتر است بگویم بهترین آموزگار حمید سمندریان است، اما زمانی که برای ادامه تحصیل به انگلستان رفتم، در آنجا با استادی که مهاجر بود و از روسیه آمده بود مواجه شدم که او بسیار به من تئاتر را آموخت. اسم او ناتاشا بود.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

حرف زدیم و از همه مهم‌تر به هم تعهد دادیم که یک فیلم سینمایی و یک مینی‌سریال درباره حاج‌احمد تولید کنیم، ما هم به سیاق بقیه برنامه‌هایمان به صداوسیما «تعهد» دادیم که یک سریال جذاب به نام ایستاده در غبار برایتان کنار گذاشته‌ایم و البته که برایم عجیب بود که در مورد تهیه سریال گفته بودی: «من هم به دلایلی باید تن در می‌دادم!» حالا خدا خواست و تو بعد از ایستاده در غبار شدی «محمدحسین مهدویان»ی که همه سینما مثل ما دوستت دارند و بعد که در مورد سریال حرف زدیم، تو لابد تصمیمت عوض شد یا هرچه، و نیامدی پای سریال. هرچه گفتیم برادر حسین! بیا قربانت برویم، بیا دور سرت بگردیم، نیامدی که نیامدی. بر خلاف آن تعهد!

و سالگرد زبایش حاج‌احمد نزدیک بود و کم‌کم داشت آتش خوش‌رنگ و لعاب ایستاده در غبار از دهن می‌افتاد، خب چه انتظاری از ما داری؛ جز این که بعد از این همه مماشات، یا علی بگویم و سریال را برسانیم؟ سریالی که تعهد تو بود که حالا دلت نمی‌خواست باشد. آخر مثنی! مگر خودت نبودی که خط اصلی تدوین سریال را دادی؟ کسی دخالتی در بخش‌بندی سریال و گرفتن راش‌های سریال داشته جز خودت؟! از روی بخش‌های جدید سریال هم معلوم است که به نیت یک مینی‌سریال و یک سینمایی ضبط کرده بودی.

البته هنوز هم دیر نشده رفیق‌جان!

ما همچنان بر عهد خود هستیم. خدای ما بعد از سیم‌رخ‌های جشنواره هم خدای «افوا با‌لعهد» است. تو دوست دیرین مایی. اگر فرصت کردی بنشینیم و سریال را ببینیم و گپ بزнім و کیف کنیم از دیدن و شنیدن حاج‌احمد؟».

حتی در یک میهمانی با منتقدی روبه‌رو شدم که فردایش نقدش در روزنامه‌ای چاپ شد که بسیار عجیب‌وغریب بود و تا نواشته بود تدوینز علی‌ه من و نویسنده کارم نوشته بود و وقتی او را در جایی دیدم، احساس کردم به دنبال فرار کردن است، اما را آموختم، اما در سال سوم دانشگاه با حمید سمندریان مواجه شدم که دیدم حرف‌های تازه‌ای می‌زند که من نمی‌فهمم و از او هم بسیار آموختم که شاید بهتر است بگویم بهترین آموزگار حمید سمندریان است، اما زمانی که برای ادامه تحصیل به انگلستان رفتم، در آنجا با استادی که مهاجر بود و از روسیه آمده بود مواجه شدم که او بسیار به من تئاتر را آموخت. اسم او ناتاشا بود.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من همیشه نقد می‌خوانم و بسیار به نقد اعتقاد دارم، چون باید منتقدان باشند که درباره کارها نظر بدهند. اگر هنرمند پزشک باشد، منتقد کالبدشکاف است که کارش تشریح یک جسد و اثر هنری است و او می‌تواند کار هنری را کالبدشکافی کند.

● **بهترین نقدی که در سال‌های گذشته خوانده‌ام:** من